

کار می‌کند. راهی کشور آلمان شد. در رشته‌ی پزشکی درس خواند. خیلی زحمت کشید. جراح مغز شد. در شهر هانوفر آلمان یک بیمارستان تأسیس کرد. او در این بیمارستان، بیماران مغزی را مُداوا می‌کند.

○ جراح برتر

به دکتر سمیعی جایزه‌ی «جراح برتر» دادند. او این جایزه را به خاطر دستاوردهای علمی گرفت. دکتر سمیعی به کشورهای گوناگون می‌رود و درباره‌ی مغز انسان صحبت می‌کند. درباره‌ی مغز مقاله‌های علمی نوشته است. چند کتاب مهم علمی هم دارد. این پزشک ایرانی به

پزشک‌هایی از سراسر جهان آموزش می‌دهد. به آن‌ها کمک می‌کند تا بهتر بیماران را درمان کنند.

○ کوچه‌های بارانی

دکتر سمیعی چون خیلی ایران را دوست دارد، برای ساخت مرکز مغز و اعصاب در ایران هم کارهایی کرده است. او با این که در آلمان زندگی می‌کند ایران را فراموش نکرده است. گاهی به یاد رشت می‌افتد. کوچه‌های بارانی رشت را به خاطر می‌آورد. راستی او در رشته مغز و اعصاب جوایز بزرگی را گرفته است.

نویسنده: مهدی مرادی



قصه‌ها

شماره ۶۱
۱۶ مهر
۱۴۰۱
۱۵
آدم حسابی‌ها